



به نام آنکه جان را فکرت آموخت

رفتی و رفتن تو آتش نهاد بر دل از کاروان چه ماند جز آتشی به منزل

در آغازین بهار قرن جدید با غمی جانکاه روبرو شدیم و یکی از شریف‌ترین و پاک‌ترین معلمان این دیار کهن را که استادی به‌غایت کمال و ادب و نیز شاعر، ادیب، سخنور و سخن‌دان و نویسنده‌ای متبحر بود را از دست دادیم، سخن از اصغر عسکری خانقاه اولین انسان‌شناس زیستی کشور و مردم‌شناسی تمام‌عیار بود، که در ۱۵ فروردین‌ماه ۱۴۰۱ پس از یک دوره بیماری در سن ۸۴ سالگی درگذشت.

از سال ۱۳۶۲ و هم‌زمان با بازگشایی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و بعد از انقلاب فرهنگی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران افتخار شاگردی حضرت استاد را یافتیم، درس انسان‌شناسی زیستی و محیط‌شناسی انسانی را بر عهده داشتند و آن‌چنان باعلاقه و عشق بالا کلمات درس بر دهانشان جاری می‌گشت که وصف‌ناشدنی بود و با تسلط بالای او بر مباحث درسی و شدت علاقه وی شور و هیجان یادگیری را در آن فضای زیبای معمارانه دانشکده علوم اجتماعی در بهارستان دوچندان می‌کرد، در بیشتر ایام هفته حضوری جدی و فعال داشت و بسیار با حرارت

در خصوص بعضی از نظریه پردازان مردم‌شناسی چون مارگارت مید، مالینوفسکی و آندره لورا گوران و تحقیقات گسترده و میدانی مردم‌شناسی سخن می‌راند.

در آموزش و پژوهش جدی بود برای کار عملی درس انسان‌شناسی زیستی با کلینیک ژنتیک دکتر دانشور فرهود همکاری صمیمانه‌ای داشت و دانشجویان بر روی خطوط پستی کار بسیار گسترده‌ای را انجام می‌دادند و خلاصی از تمرینات درس به‌راحتی امکان‌پذیر نبود، استاد با توجه به تخصص‌های گوناگونی که کسب کرده بودند شاعر و نویسنده‌ای ماهر نیز بودند، در تابستان گذشته که به دلیل درگیری با بیماری کرونا در بیمارستان بستری بودم کتاب‌های لوطی آباد و دایره‌های اوج را می‌خواندم که به نظر خودم قدری از آن زندگی خود استاد بود و قهرمان داستان "غریب اوغلی" که بی‌اختیار با سرگذشت او اشک می‌ریختم و بعد از مرخص شدن به خود او گفتم که این کتاب چقدر زیبا نوشته شده است.

در هر حوزه‌ای که وارد می‌شد با دقت و نظم فوق‌العاده کار را به نحو احسن انجام می‌داد چه زمانی که در دانشکده علوم اجتماعی بودند و چه زمانی که در وزارت علوم مسئولیت دفتر نشریات علمی را عهده بودند و در اجرای کار علمی ملاحظه کسی را نمی‌کرد، اواخر دهه هشتاد بود که به من پیشنهاد تدریس در دانشگاه آزاد زرنده را داد که به احترام ایشان پذیرفتم و هر دو هفته یک‌بار با ایشان عازم آن دیار می‌شدیم و بعضی اوقات کلاس‌های ارشد با ظرفیت ۵۰-۴۰ تن را به مدت ۴ ساعت بی‌وقفه ادامه می‌دادند و خیل دانشجویان مشتاقانه از محضر ایشان بهره می‌بردند، نکته جالب این سفرها ارتباط صمیمانه با همسرشان (لوئیز) بود که به‌طور مرتب با زنگ زدن به ایشان جویای حال او بودند و پیوسته می‌گفت من نگران آنم که زودتر از او بروم و او تنها بماند و گهگاهی در خصوص فرزندانش که بسیار آن‌ها را دوست می‌داشت می‌گفت و به شوخی می‌گفت وقتی آن‌ها به من و یا مادرشان زنگ می‌زنند می‌گویند مواظب خودتان باشید و خنده‌ای می‌کرد پرمعنا.

قبل از کرونا نشست مرتبی به‌اتفاق او و من و دکتر عالم زاده و دکتر سرایی داشتیم که با صرف نهار همراه بود و هر سه بزرگوار از برجستگان حوزه تخصصی خود بودند، در ایام کرونا خیلی مواظب سلامتی خود بودند و هر بار که از ایشان برای جلسات مختلف دعوت می‌کردیم با شوخی و خنده ارجاع به بعد از کرونا می‌داد، در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی یک واحد آپارتمانی را در اختیار داشت و دانشجویان زیادی را برای تحصیلات تکمیلی در ایران و فرانسه

تربیت می‌کرد و با دانشکده علوم دانشگاه تهران برای ایجاد رشته انسان‌شناسی زیستی تلاش زیادی را به انجام رساند.

با خواهش از او برای عضویت در هیات تحریریه فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای دعوت کردم و عضو شد و با نظم خاص خودشان در جلسات شرکت می‌کرد و البته در تدریس بعضی از دروس در دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبائی نیز، همکاری داشتند. برای دانشجویان دکتری احترام خاصی قائل بود و شدیداً پیگیر کارشان بود. عسگری سردبیر سابق مجله «نامه علوم اجتماعی» و استاد بازنشسته گروه انسان‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران بود. او که دانش‌آموخته دانشگاه سوربن بود، از پایه‌گذاران علم انسان‌شناسی زیستی در ایران بشمار می‌رود.

اصغر عسگری خانقاه در سال ۱۳۱۷ در خلخال متولد شد. دوره تحصیلات ابتدایی را در شهرستان انزلی در دبستان سعدی، دو سال اول دبیرستان را در دبیرستان داریوش لنگرود و سال‌های بعد را در دبیرستان شاهپور رشت به اتمام رساند. پس از اتمام دوره‌های ابتدایی و متوسطه، و بعد از پایان دوره پارازینولوژی و مالاریالوژی از دانشکده بهداشت دانشگاه تهران، به‌عنوان میکروسکپیست در آزمایشگاه‌های وزارت بهداشتی در شهرستان‌های رشت، هشپتر، لاهیجان، رودسر، رامسر و چالوس شروع به کار کرد و سال‌ها بعد برای ادامه تحصیل در رشته داروسازی، به کشور بلژیک رفت و به‌عنوان نماینده شرکت‌های بزرگ دارویی همچون رون پولنگ (اسپسیا) و ساندوز، در ایران مشغول کار شد.

عسگری ضمن کار در حوزه بهداشت و پیراپزشکی، به تحصیل در رشته روزنامه‌نگاری و مطبوعات پرداخت و در سال ۱۳۵۰ از دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی فارغ‌التحصیل شد. او همچنین دوره دوساله مدیریت و برنامه‌ریزی اجتماعی را در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران به اتمام رساند. عسگری در سال ۱۳۵۲ به کشور فرانسه رفت و از دانشگاه سوربن پاریس موفق به اخذ دکترا در رشته انسان‌شناسی زیستی شد و پس از بازگشت تا زمان بازنشستگی، (۱۳۸۶) عضو هیئت‌علمی و استاد دانشگاه تهران بود.

این انسان‌شناس ضمن تحصیل، در اداره فرهنگ‌عامه (وزارت فرهنگ و هنر) شروع به کار کرد. بعد از بازگشت به ایران، و از سال ۱۳۵۸، در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به تدریس و تحقیق مشغول شد. عسگری خانقاه در خلال این سال‌ها، در دوره کارشناسی، تدریس

دروس: انسان‌شناسی زیستی، تاریخ اندیشه‌های مردم‌شناسی، زیست‌شناسی عمومی، محیط‌شناسی انسانی و مردم‌نگاری تدریس کرده و در دوره کارشناسی ارشد و دکترا نیز روش تحقیق و سنجش و زیست‌شناسی درس داده است. او در عین حال که مردم‌شناس و پژوهنده شاخص علوم اجتماعی بود، تاریخ‌نگاری این علم در ایران را نیز با جدیت دنبال می‌کرد به همین خاطر، در همایش فرهنگ و محیط‌زیست که در تاریخ ۶ خردادماه ۱۳۸۷ در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار شد، از این استاد انسان‌شناسی به پاس یک عمر تلاش‌های علمی تقدیر شد.

عسگری خانقاه طی این سال‌ها در کنار تدریس، کار پژوهش را نیز با جدیت دنبال می‌کرد و شماری از مهم‌ترین تحقیقاتش را در مجله «نامه علوم اجتماعی» به چاپ رساند. او از سال ۱۳۷۴ به سردبیری این مجله منصوب شد و مقالاتی چون «فرهنگ مردم‌شناسی بیشه‌نشینان آفریقا و مشکلات تغذیه»، «سهم آل احمد در شکل‌گیری پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی گروه‌های انسانی در ایران»، «ریشه‌های تاریخی و سنت‌های فرهنگی و اجتماعی مسلمانان آفریقا و...» را در آن به چاپ رساند. از دیگر فعالیت‌های او، نگارش مقالات متعدد در حوزه مردم‌شناسی و تاریخ نظیر «زبان در معبر زبان‌شناسی و مردم‌شناسی»، «ریشه‌های تاریخی و سنت‌های فرهنگی و اجتماعی مسلمانان آفریقا»، «انسان‌شناسی خطوط پستی در جمعیت‌های ایرانی»، «چهارشنبه‌سوری در روستای جوپشت»، «بوم‌شناسی روستایی ایران»، «مردم‌شناسی و فرهنگ سکونت» و... است. کتاب‌های «ایرانیان ترکمن؛ پژوهشی در مردم‌شناسی و جمعیت‌شناسی»، «انسان‌شناسی عمومی» «شرق‌شناسی (شرقی که آفریده غرب است)»، «فرهنگ مردم‌شناسی (فرانسه، انگلیسی، فارسی)» و «مردم‌شناسی روستای قاسم‌آباد گیلان» از این استاد دانشگاه منتشر شده است.

کتاب‌شناسی

تألیفات:

- مبانی انسان‌شناسی زیستی، اصغر عسگری خانقاه، محمد شریف کمالی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها سمت.
- انسان‌شناسی عمومی، اصغر عسگری خانقاه، محمد شریف کمالی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- فرهنگ و زیست، اصغر عسگری خانقاه، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.

- مقدمه بر انسان‌شناسی زیستی، اصغر عسگری خانقاه، محمد شریف کمالی، تهران: رهنما.
 - مردم‌شناسی: روش، بینش، تجربه، اصغر عسگری خانقاه، ناشر: علم، ۱۳۹۱.
 - دردم نهفته به ... [درباره انسان‌شناسی - مردم‌شناسی - جامعه‌شناسی] (مجموعه مقالات)، گروه مؤلفان و مترجمان، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۶.
 - روستای قاسم‌آباد گیلان: پژوهشی در مردم‌شناسی، اصغر عسگری خانقاه، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
 - لوطی‌آباد، اصغر عسگری خانقاه، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
 - دایره‌های اوج، اصغر عسگری خانقاه، تهران: دیبایه.
 - ایرانیان ترکمن: مردم‌شناسی و جمعیت‌شناسی: اصغر عسگری خانقاه، محمد شریف کمالی، تهران: اساطیر.
 - آب‌و‌خاک، اصغر عسگری خانقاه (شاعر)، ناشر: فضا (وابسته به مؤسسه علمی و فرهنگی فضا)، ۱۳۹۰.
- ترجمه:
- فرهنگ مردم‌شناسی، میشل پانوف، میشل پرن، اصغر عسگری خانقاه (مترجم)، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
 - سه گزارش از زندگی اجتماعی مردم بدوی (ابتدایی‌ها)، برونیسلاو مالینوفسکی، اصغر عسگری خانقاه (مترجم)، ناشر: علمی و فرهنگی.
 - پاریس در شب: گزیده شعرهای ژاک پرور، ژاک پرور، اصغر عسگری خانقاه (مترجم)، تهران: کتاب خورشید، ۱۳۸۴.
 - گزیده شعر کوتاه فرانسوی (عاشقانه‌های بی‌کلام، سایه سرمست، پاریس در شب متن دوزبانه (فارسی-فرانسوی): پل ورن، روبر دسنوس، ژاک پرور، (برگزیده‌های ادبی ۲) زهرا تعمیدی (مترجم)، اصغر عسگری خانقاه (مترجم)، تهران: خورشید.
 - به تو که هنوز زاییده نشده‌ای: سرگذشت یک ژن‌شناس: آلبر ژکر، اصغر عسگری خانقاه (مترجم)، ناشر: علمی و فرهنگی.

پیام از طرف مرکز CNRS فرانسه (به زبان فرانسه) به مناسبت درگذشت استاد اصغر عسکری

خانقاه

CNRS
(Centre national de la recherche scientifique)

Gilles Berillon - Valéry Zeitoun

Vingt années d'aventure humaine et scientifique.

En janvier 2001, le Professeur Asgari Khaneghah renouait des liens avec le laboratoire d'Anthropologie Biologique du CNRS de Paris et proposait de tisser une collaboration. Depuis sa soutenance de doctorat à la Sorbonne, sous la direction du Professeur Robert Gessain, il avait en tête l'idée de développer un programme de collaboration en Anthropologie biologique avec «ses amis Français» comme il disait. Retrouvant à cette occasion certains de ses anciens camarades de jeunesse du Musée de l'Homme dans notre laboratoire, c'est avec nous, jeunes recrues du CNRS, que l'après-midi même, étaient rédigées les premières lignes d'un programme d'enseignement en Anthropologie Biologique et celles d'un projet de recherche sur le terrain archéo-préhistorique. Dans cet élan, le professeur Yves Coppens qu'il connaissait bien, nous recevait au Collège de France et acceptait de parrainer notre trio de différentes jeunesses. Tout est allé très vite: les premiers dossiers au CNRS pour préparer un cadre de travail, les premiers dossiers de demande de financement, un premier séjour à Téhéran à l'invitation du Professeur Taghi Azadarmaki, Doyen de la Faculté de Sciences Sociales, nos premières rencontres à Téhéran, la découverte d'un magnifique pays dont le Professeur Asgari, érudit et passionné, nous racontait les musiques, les langues et l'anthropologie mêlées de poésie française qu'il connaissait de sa jeunesse passée en Europe et qu'il partageait en Persan. De cette complicité initiale débutèrent deux ans plus tard, nos premiers cours à la Faculté des Sciences Sociales, puis nos premiers pas sur le terrain avec un groupe d'étudiants, invités également à apprendre le Français. Le Programme Paléanthropologique Franco-Iranien (FIPP) était né, une aventure humaine autour de la connaissance de l'Homme qui vingt années durant fût extrêmement productive, en enseignement, en formation de jeunes chercheurs, en travaux sur le terrain. Vingt années riches de découvertes, d'échanges et d'une amitié scellée dans les couches préhistoriques de Garm Roud. Enfin, le Professeur Asgari Khaneghah œuvrait sans relâche toutes ces années pour la création d'un Master d'Anthropologie Biologique à l'Université de Téhéran, qu'il voyait comme relai de la transmission et du développement du savoir anthropologique. Quelle joie pour nous et pour Dominique Grimaud-Hervé, d'avoir pu contribuer aux enseignements de ses premières promotions.

Nombreux sont, dans nos deux pays, celles et ceux qui ont suivi le Professeur Asgari dans cette aventure scientifique et humaine. Tous, dont certains ont osé un doctorat, pérenniseront désormais son œuvre. En France, nous avons eu l'opportunité d'être les premiers à répondre à son souhait. Nous avons grandi avec lui, suivis par bien d'autres, chercheurs du CNRS, enseignants-chercheurs et étudiants du Muséum National d'Histoire Naturelle de Paris, laboratoires et institutions, au fil des enseignements, des prospections et des fouilles, des livres et des articles. Au nom de tous ses amis Français et en souvenir de ses histoires et de ses plaisanteries qui raisonnent encore, nous lui disons ici notre immense reconnaissance pour ce qu'il nous a aidé à bâtir.

Professeur, vous avez été un pionnier, votre relève est assurée!

Vos amis Français du CNRS.

پیام از طرف مرکز CNRS فرانسه (به زبان انگلیسی) به مناسبت درگذشت استاد اصغر

عسکری خانقاه

Gilles Berillon et Valéry Zeitoun.
(Centre national de la recherche scientifique)
Gilles Berillon - Valéry Zeitoun
Twenty years of human and scientific adventure.

In January 2001, Professor Asgari Khaneghah renewed links with the CNRS laboratory of Biological Anthropology in Paris and proposed to establish a collaboration. Since his doctoral defense at the Sorbonne, under the direction of Professor Robert Gessain, he had in mind the idea of developing a collaborative program in biological anthropology with "his French friends" as he said. Finding on this occasion some of his former youthful comrades from the Musée de l'Homme in our laboratory, it was with us, young recruits from the CNRS, that the same afternoon, the first lines of a teaching program in Biological Anthropology and those of a research project on the archaeological-prehistoric field were written. Professor Yves Coppens, whom he knew well, then received us at the Collège de France and agreed to support our trio of different youths. Everything went very fast: the first files at the CNRS to prepare a framework for our work, the first applications for funding, a first stay in Tehran at the invitation of Professor Taghi Azadarmaki, Dean of the Faculty of Social Sciences, our first meetings in Tehran, the discovery of a magnificent country whose music, languages and anthropology that Professor Asgari, erudite and passionate, told us about mixed with French poetry he knew from his youth spent in Europe and that he shared in Persian. From this initial complicity began two years later our first courses at the Faculty of Social Sciences, then our first steps in the field with a group of students also invited to learn French.

The Franco-Iranian Paleoanthropological Program (FIPP) was born, a human adventure around the knowledge of Man that for twenty years was extremely productive, in teaching, in training young researchers, in field work. Twenty years rich in discoveries, exchanges and a friendship sealed in the prehistoric layers of Garm Roud. Finally, Professor Asgari Khaneghah worked tirelessly all these years for the creation of a Master's degree in Biological Anthropology at the University of Tehran, he saw as a relay for the transmission and development of anthropological knowledge. What a joy for us and for Dominique Grimaud-Hervé, to have been able to contribute to the teaching of its first classes.

Many people in our two countries have followed Professor Asgari in this scientific and human adventure. All of them, some of whom have dared to obtain a doctorate, will continue his work. In France, we had the opportunity to be the first to respond to his wish. We grew up with him, followed by many others, researchers from the CNRS, Professors and students from the Museum National d'Histoire Naturelle de Paris, laboratories and institutions, over the course of teachings, surveys and excavations, books and articles. In the name of all his French friends and in memory of his stories and jokes that still resonate, we express here our immense gratitude for what he helped us to build.

Professor, you were a pioneer, your succession is assured!

Your French friends at the CNRS.
Gilles Berillon and Valéry Zeitoun.

غلامرضا لطیفی

مدیرمسئول فصلنامه علمی

برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای